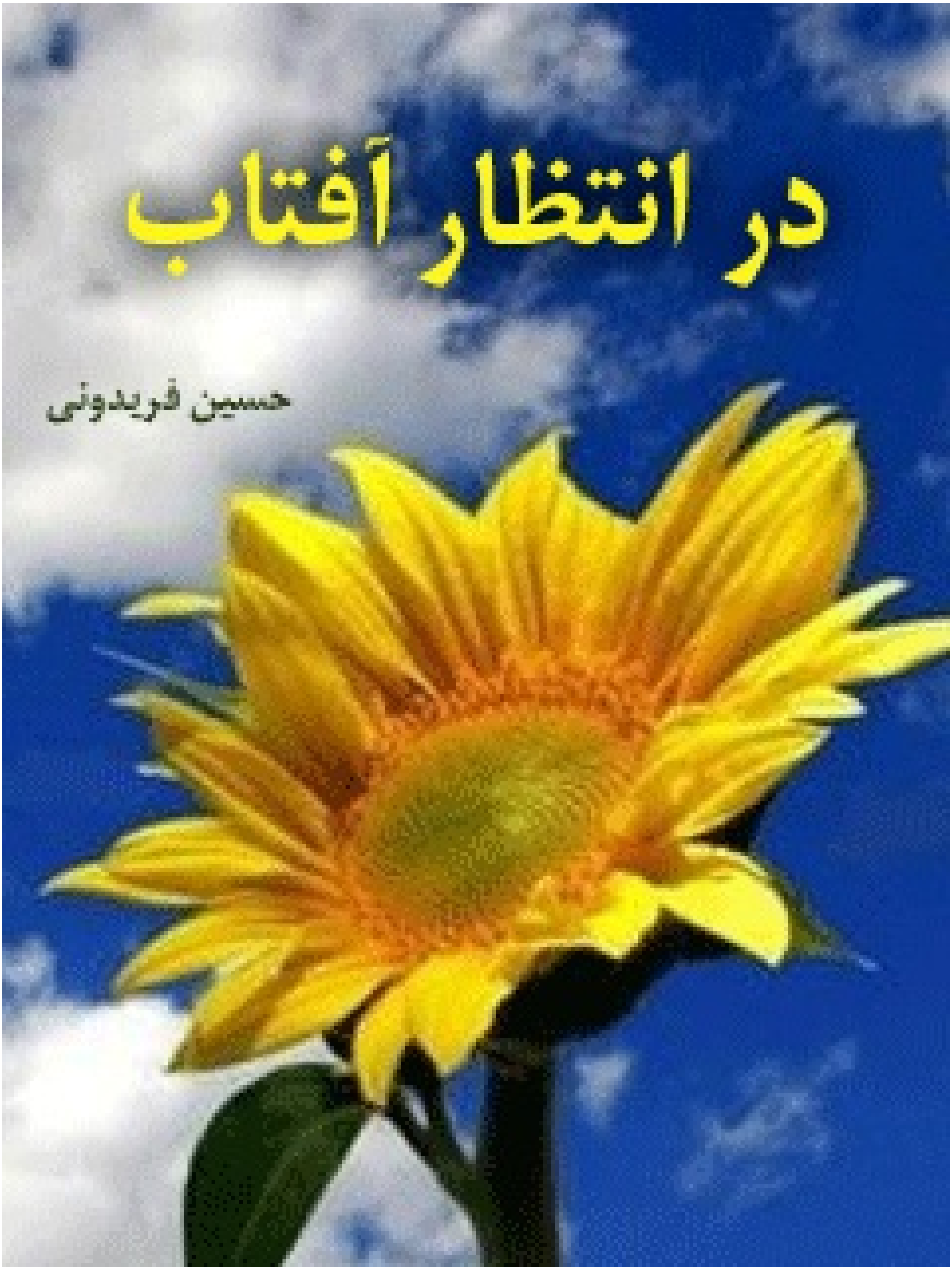

در انتظار آفتاب
حسین فریدونی

بسم الله الرحمن الرحیم

در انتظار آفتاب

نویسنده:

حسین فریدونی

ناشر چاپی:

نبأ

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

در انتظار آفتاب

مشخصات کتاب

سرشناسه : فریدونی حسین ۱۳۲۱ -

عنوان و نام پدیدآور : در انتظار آفتاب (بحثی پیرامون اصالت مهدویت) حسین فریدونی

مشخصات نشر : تهران موسسه نبا ۱۳۷۷.

مشخصات ظاهری : ۴۰ ص ۱۲ X۲۰س م

شابک : ۹۶۴-۶۶۴۳-۰۳-۵؛ ۱۰۰۰ ریال چاپ اول ؛ ۱۰۰۰ ریال (چاپ دوم) ؛ ۲۰۰۰ ریال (چاپ سوم

یادداشت : چاپ اول ۱۳۷۷ .

یادداشت : چاپ دوم: پا ئیز ۱۳۷۸.

یادداشت : چاپ سوم ۱۳۷۹.

یادداشت : عنوان دیگر: بحثی پیرامون اصالت مهدویت

یادداشت : کتابنامه به‌صورت زیرنویس

عنوان دیگر : بحثی پیرامون اصالت مهدویت

موضوع : مهدویت

رده بندی کنگره : BP۲۲۴/۲/ف۴د۴ ۱۳۷۷

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۴۶۲

شماره کتابشناسی ملی : م۷۸-۲۳۰۱

مقدمه

بسم الله الرحمن الرحیمسخن گفتن از مهدویت و ظهور یک منجی و مصلح که با قیام شکوهمندش جهان را دگرگون کرده، توحید و عدالت همگانی را در پهنه گیتی بگستراند، در واقع سخن گفتن از امید و پر کردن دلها از سرور و شادی است... سخن از آینده ای است که در آن از کفر و شرک و تبعیض و ظلم و استثمار، نشان و اثری باقی نخواهد ماند... سخن از نورانیتی است که بر جوامع بشری احاطه یافته، زندگی انسانها را درخشان خواهد نمود... سخن از اراده جهان است به دست توانای شخصیتی الهی و معصوم که با به همراه داشتن دو سلاح مهم، یعنی علم و قدرت ما فوق بشری، جهان را به سامان خواهد آورد نابسامانیها را خواهد زدود و چهره فرو افتاده در بدبختیها و شقاوتها و تباهیهای جهان را به چهره ای شاد و سرزنده و شاداب از ایمان و سعادت و تقوا مبدل خواهد نمود. آری، سخن از مهدویت، سخن از امیدی است که هرگز نخواهد [صفحه ۴] مرد و یادآور خورشیدی است که هیچ گاه از دلها غروب و افول نخواهد کرد. بلا تردید انسان زمان ما، با گفتگو و بحث از ظهور مصلحی دادگر، به فردایی دل خواهد بست که چندان دور نیست و احتمال آمدنش هر روز وجود می دارد. اعتقاد و باور به بزرگ انقلابگری که همه انبیا به پیروان خویش مژده ظهورش را داده اند، و هر کس به زبانی سخن از وصف وی گفته و به ویژگیهایی او را ممتاز کرده است، یکی از مشترکات همه ادیان الهی است. و از سوی دیگر اندیشمندان و متفکران سترگ نیز درباره امید به آینده و نیاز بشر به حکومت جهانی و راه رسیدن به جامعه ایده آل سخن گفته اند و نتایج دریافتهای ذهنی خویش را در دسترس انسانهای حق جو نهاده اند. و لذا در کتب گوناگون آسمانی و غیر آسمانی نشانه های فراوانی از چنین مطلبی را می یابیم که قدر مشترک تمام آنها در این کلام

خلاصه می شود: جهان سرانجام به کار پارسایان خواهد گردید و چهره فعلی دنیا دگرگون خواهد شد. برای آنکه این کلام بدون دلیل تلقی نگردد، سیری سریع در مساله مهدویت و ظهور منجی و مصلح خواهیم داشت. نخست از سوی متفکران و اندیشمندان بشر، و آنگاه از منظر ادیان به این قضیه نظر خواهیم افکند. [صفحه ۵] ظاهرا نخستین اندیشمندی که این مساله، یعنی زندگی در محیطی ایده آل را مطرح ساخته افلاطون است. او تجسم این آرزو را در شهری خیالی به نام مدینه فاضله یا اوتوپیا بیان نموده است. خلاصه سخن او درباره مدینه فاضله، یعنی اجتماعی که در سطحی محدود تحقق بخش نیازهای انسانی است، چنین است: اگر مکردمان سادگی را در پیش گیرند، عدالت موضوعی سهل و ساده خواهد بود. و زندگی در چنین جامعه ای اینگونه است که این مردمان باید برای زیست خویش غله و نوشابه و لباس و کفش تهیه کرده و برای خود منازلی را بسازند. کافی است که در هنگام تابستان غالب برهنه و بدون کفش کار کنند و در زمستان به قدر کافی کفش و لباس بپوشند. غذای آنها از جو و گندم خواهد بود که از این دو یا به صورت بریان شده و یا نان استفاده کنند. به این ترتیب خود و کودکانشان - با رعایت محدودیت در تولید مثل - به عیش و خوشی زندگی می کنند و از نوشابه هایی که خود ساخته اند استفاده می نمایند و تاجی از برگ گل درختان بر سر می گذارند و همواره سپاس خدای را می گویند. و به این ترتیب سالیان درازی را در صحت و آرامش حقیقی به سر می برند و پس از مرگ، یک چنین زندگی را که کمال مطلوب است، برای فرزندان خود به ارث می گذارند. اما اینکه چرا تاکنون چنین اجتماعی به وجود نیامده است، علت آن حرص و آز مردم و تفنن و تجمل پرستی آنان است. [صفحه ۶] مردمان به زندگی ساده قناعت نمی کنند و سودپرست و جاه طلب و رقابت جو و حسود هستند. آنها از آنچه خود دارند زود سیر می شوند و در آتش حسرت آنچه ندارند می سوزند. در نتیجه طایفه ای به طایفه دیگر تجاوز می کنند و از همین رهگذر جنگ درگیر می شود. در این هنگام نقش حکام و زمامداران بسیار مهم خواهد بود. زیرا هر دسته و گروهی که بر مردم حکم برانند، این احتمال و خطر وجود دارد که آن جماعت و گروه در راستای تامین منافع خود مشکلات تازه ای را به وجود آورده، برخوردها را تشدید نمایند. پس تنها ره هدایت اجتماع و تشکیل مدینه فاضله آن است که حکام و فرمانروایان از فلاسفه باشند. این مطلب، یعنی بر پایی جامعه سراسر عدالت، از سوی دیگر اندیشمندان نیز مطرح و پیشنهاد گردیده و طرحهایی مشابه افلاطون ارائه کرده اند. و از آن جمله اسکار وایلد نویسنده انگلیسی است که چنین عبارتی را بیان می نماید: نقشه جهان نمایی که مدینه فاضله را نشان ندهد، حتی ارزش این را ندارد که به آن نگاه کنند. زیرا این نقشه مملکتی را که انسانیت در آن فرود آمده است کنار گذاشته است. هنگامی که انسانیت در چنین مملکتی فرود آمد، به اطراف نظر می اندازد و همین که ناحیه بهتری پیدا کرد، کشتی خود را به [صفحه ۷] سوی آن می برد. پیشرفت، تحقق مدینه فاضله است. [۱] اسکار وایلد معتقد است که انسانیت با وجود مدینه فاضله محقق خواهد شد و بدون آن اساسا انسانیتی وجود نخواهد داشت، پس برای آنکه پیشرفت را تحقق بخشیده باشیم، باید که مدینه فاضله را بسازیم. در مورد نگرانیهایی که بزرگان عرصه علم و فلسفه از وضعیت نابسامان جهان و قرن پیشرفت تکنولوژی داشته اند و دلهره هایی که نسبت به وقوع یک جنگ همه گیر دیگر با وسعتی وحشت انگیز و با قدرت ویرانگر و اهریمنی سلاحهای هسته ای ابراز نموده اند، مسائل فراوانی را می توان یافت. و از جمله آن مسال اینکه: برای پیشگیری از چنین حادثه ای هستی سوز چه باید کرد و چه تمهیدی باید اندیشید؟ در باسخ به این سوال، متفکران بشری پاسخهایی داده اند که با رعایت اختصار به آنها توجه می کنیم: راسل فیلسوف انگلیسی نام آور معاصر، در کتابی تحت عنوان آیا بشر آینده ای هم دارد چنین ابزار عقیده می کند: شبحی بر ما سایه افکن است. گروهی مرغان وحشی دریایی آرام در امتداد مدار قطب شمال پرواز می کنند و در پرد را دار [صفحه ۸] شوروی یا ایالات متحده پدیدار می شوند. [۲] پرده را دار گروه مرغان را موشکهای طرف نشان می دهد. حکومت ایالات متحده و یا شوروی هر کدام بیدرنگ حمله انتقامی را آغاز می کنند. علاوه بر احتمال خطای بشری، همیشه احتمال خطای مکانیکی هم در کار است. مکانیسم ذی مدخل در این کار بسیار بغرنج است و پس از آنکه بمب افکنها بر اثر اشتباه روانه مقصد شدند، کسی نمی تواند تضمین کند

که دستور فراخواندگی به موقع بدان برسد. اگر به موقع این دستور دریافت نشود، نژاد بشر از میان رفته است... من در لحظه های تاریک ژوئیه ۱۹۷۱ به نوشتن مشغولم و نمی دانم نژاد بشر آن قدر دوام می کند که نوشته من منتشر یا در صورت انتشار قرائت شود یا نه. اما هنوز امیدواری هست. و تا امید وجود دارد، ناامیدی از بزدلی است.... این متفکر زمان ما که از وقوع جنگ سوم که منجر به از بین رفتن نژاد بشر می شود تا این اندازه هراسناک است، در کتاب دیگری که به نام امیدهای نو در دنیای متغیر ترجمه شده است چنین می گوید: هر روز این احتمال هست که نائره جنگ سوم جهانی مشتعل شود. کسانی از ما که آرزو دارند جهانی را که بشر می تواند به وجود آورد ببینند، نباید اگر جنگ سوم هم روی داد از امید و ایمان خود دست بردارند. وظیفه ما این است که هر قدر هم [صفحه ۹] ظلمت و ماتم و غم بر جهان مستولی شود، امید خود را زنده نگاه داریم و افکار خود را علی رغم بدبختیهای حال، متوجه آینده کنیم... پس موجبات جنگ را باید از میان برد و بهترین راه حل آن است که دولتهای مختلف و متعددی وجود نداشته باشند تا میان آنها جنگی در گیرد. ترتیبی باید داد که دولتهای متعدد از بین رفته و تمام خلق دنیا یک کاسه و یکجا اتباع یک حکومت واحد جهانی گردد.... هماهنگی ملتها تا آنجا برسد که همگی هدفشان تاسیس یک حکومت جهانی باشد.... مادام که دولت جهانی تشکیل نشده، وقوع جنگهای عظیم اجتناب ناپذیر است. می بینیم که آقای راسل بزرگترین گرفتاری بشر وا جنگ و عظیمترین نیاز او را صلح می داند و برای بسط و جایگزینی صلح در اجتماعات بشری، تنها راه حل را تشکیل یک حکومت جهانی واحد و تسلیم شدن انسانها در پهنه گیتی به آن حکومت می داند. سیاستمدار و دانشمند فقید هند جواهر لعل نهرو هم در این عرصه وارد شده و چنین امید بخشی می نماید: در دنیایی که پر است از کشمکش و نفرت و خشونت، اعتقاد بستن به سرنوشت انسانی ضروریتر از هر زمان دیگر است. هر گاه آینده ای که ما برای آن کار می کنیم سرشار از امید برای بشریت باشد، بابسامانیهای دنیای کنونی چندان اهمیتی [صفحه ۱۰] ندارد و کارکردن برای آن آینده دارای حقانیت است. [۳] و فیلسوف انگلیسی به نام بنتام برای به سامان رسیدن نا بسامانیهای زمانه ما اینگونه راهنمایی می کند: اگر بتوان این چهار نوع حقوق یا قانون (حقوق طبیعی یا قانون طبیعت، حقوق اخلاقی یا قانون اخلاق، حقوق سیاسی یا قانون دولت، حقوق مذهبی یا قانون دین) را با یکدیگر ترکیب کرده و مبدل به یک کد واحد نمود، مسلما بشر به عالیترین نقطه کمال خواهد رسید. [۴] مراد بنتام آن است که از پراکندگی و تنوع قوانین گوناگون باید اجتناب نمود و این همه تشتت و تنوع را به کناری نهاد و همه را یگپارچه و یک کاسه کرد و در چنین صورتی است که بشریت در منتهای سعادت زیست نموده، به عالیترین نقطه کمال خواهد رسید. متفکر دیگر به نام هندریک. و. وان لون چاره و درمان بیماریهای انسانیت را چنین بیان می دارد: مقصود از تمام بیانات این است که دنیا احتیاج شدید به اشخاصی دارد که بتوانند سکان و زمام اختیار کشتی تمدن را در دست بگیرند. این اشخاص باید با جرات و ایمان باشند و بدانند که نوع بشر تازه در ابتدای مسافر خویش است و برای رساندن کشتی به بندر مراد باید به سبک و شیوه جدید [صفحه ۱۱] کشتیرانی آشنایی حاصل نمایند. این اشخاص باید مدتی در مدرسه زمانه شاگردی نمایند و به زور بازو راه خود را هموار ساخته، خود را به جلو کشتی که محل حکمفرمایی ناخدایان است برسانند. احتمال هم می رود که ملاحان و زیر دستان بیخرد و ناراضی از اطاعت اوامر آنها سرپیچیده، آنها را به تل برسانند، ولی عاقبت روزی می رسد که ناخدای بزرگی کشتی را به مقصد می رساند و در تاریخ نوع بشر به نام قهرمان بزرگ بنی نوع انسان مشهور خواهد گردید. [۵] پروفسور آرنولد توین بی مورخ معروف و فیلسوف نامور انگلیسی، ضمن نطقی در کنفرانس صلح نیویورک گفت: تنها راه صلح و نجات بشر، تشکیل یک حکومت جهانی و جلوگیری از گسترش سلاحهای اتمی است. یکی از شگفت ترین اظهار نظرها، مطلبی است که فیلسوف بسیار مشهور فرانسوی ژان پل سارتر بنیانگذار نوین اگزیستانسیالیزم در مصاحبه ای که با وی به عمل آورده اند اظهار داشته است. در این کتاب که تحت عنوان آنچه من هستم ترجمه شده، چنین می خوانیم: برای اینکه توافق اجتماعی حقیقی ایجاد شود، باید هر کسی کلا برای همسایه اش وجود داشته باشد و همسایه اش نیز کلا برای او. و این امر امروزه تحقق پذیر نیست. اما به عقیده من [صفحه ۱۲] هنگامی که

دگر گونیهای اقتصادی و فرهنگی و عاطفی میان مردم ایجاد شـد، این نیز تحقق خواهـد یافت. ابتدا با حذف کمبودهای مادی که به نظر من اساس کلیه تضادهای دیروز و امروز آدمیان است. ان روز هم بی شک تضادهای تازه ای در برخواهد داشت، تضادهایی که در تصور من و هیچ کس دیگری نمی گنجد، اما مانع ایجاد اجتماعی نخواهد بود که در آن هر کس خود را به تمامی تسلیم کسی کند که خود را تسلیم او خواهد کرد. چنین جامعه ای مسلما جامعه جهانی خواهد بود. سارتر بدون آنکه اعتقادی به مذهب و آیینی داشته باشد، در این مصاحبه، جهانی بدون تزاحم و تضاد را ترسیم می کند که همه چیز از آن همه کس بوده و در آن جهان انسانها در برابر یکدیگر حالت ایثارگری خواهند داشت. رابیند رانات تاگور شاعر اندیشـمند هندی، در این ارتباط چنین عنوان داشته است: اکنـون من مرتکب این گنـاه نمی شوم که اعتقـادم را نسبت به انسـان از دست بـدهم و شـکست کنونی بشـریت را شـکست نهـایی بشـمارم. من به آینـده می نگرم و زمـانی را در نظر می آورم که این فـاجعه عظیم به پایان می رسـد و زمانی را در نظر می آورم که تاریـخ ورق می خورد و آسـمان دوباره سـبک می گردد و از شـهوات تهی می شود. شاید سپیده این صـبح روشن فردا از افق شـرق برخیزد که خورشـید نیز از آنجا [صـفحه ۱۳] می دمـد. در آن هنگـام انسـان شـکست نایـافته میراث از چنگ رفته خودرا دوباره به چنگ خواهد آورد. آری، با وجود تمامی دشواریها و مشـکلات و تیرگیها در زندگی کنونی، نباید امید را از دست داد. چرا که در پس این شب تا روزی روشن تجلی و ظهور خواهـد کرد و این ظهور از مشـرق زمین خواهـد بود. چندین سال پیش یک روانشـناس ایرانی با اشتیاقی فراوان به ملاقات جامعه شناسـی بزرگ دست می یابـد. این جامعه شـناس نامور قرن بیسـتم کسـی نیست جز پیتریم الکساندرویـچ سوروکین. وی در انقلاـب بلشویکی سال ۱۹۱۷ در روسـی از همکـاران لنین به شـمار می رفت و در به ثمر رسانـدن انقلاـب سوسـیالیستی نقشـی بزرگ را ایفـا می کرد. ولی پس از اسـتقرار سوسـیالیسم در روسـیه، مخالفتهـای وی با خود کامگیها و ستمها و قتلهای سردمداران آن رژیم آغاز می شود و او را به جرم این مخالفتها، با تخفیف در مجازات، از روسیه به آمریکا تبعید می نمایند. و در آمریکا از او اسـتقبال شده، و برای تدریس کرسـی جامعه شناسی در دانشگاههای هاروارد و مینه سوتا از وی دعوت به عمـل می آیـد که در آنجـا نیز به خـاطر بیان حقایق مورد بیمهری قرار می گیرد. و سـر انجام به علت ابتلا به بیماری سـرطان ریه در دهم فوریه ۱۹۶۸ از دنی می رود. به هر حـال این جـامعه شـناس، اندیشـمندی است پر آوازه که دو مسـلکو ایـدئولوژی را به چشـم خویش دیـده و دو نوع زندگانی [صـفحه ۱۴] اجتمـاعی را شاهـد بوده و در هر دو کشور روسـیه شوروی سـابق و آمریکا تـدریس نموده است و فردی است که دنیا سـخنانش را ارج فراوان می نهـد. اینک برخی از سـخنان او را در مصاحبه با آن روانشـناس ایرانی که در کتاب خداونـد دو کعبه آمـده است ذکر می نماییم: در ارزیابی تمـدن مادی، ما بایـد بدانیم که آن هرگز بهترین و کاملترین نوع تمدن بشـری نیست، خالی از نقصـها و عاری از نارساییها نیست. ضـمنا در راهی هم که گام نهاده است در آن حد کمال نهایی کـافی و جـامع مـادی وجـود نـدارد. راهش به بن بست می خـورد مگر آنکه از خشونتهـا، نابیناییهـا و انکارهـای خود بکاهـد. و این کاسـتن جز با پیوند داشـتن با موالید و گرایشـهای فرهنگ مذهبی و معنوی میسـر نیست. چون تمدن معنوی و فرهنگ مذهبی نیز در حـد خود از برنایی ها و آفرینندگیهای پر ارزش و دلربایی برخوردار بوده و هست. این دانشـمند پس از اعلام تاثر و افسوس خویش از آنچه در دو قطب بزرگ جهان ما می گـذرد، در عین حال از امیـد خویش نسبت به آینده بشـر دست بر نمی دارد و جالب آنکه برای ادیان بزرگ نسبت به آینده نقشـی بسیار با اهمیت و قابل ملاحظه قائل است. به برخی از سـخنان وی در این زمینه و از همان کتاب توجه فرمایید: در این آینده با شـکوه، همچنانکه علم و فلسـفه نقشـی به عهده دارند، ادیان بزرگ را نیز سـهمی بس گرانقدر است. [صفحه ۱۵] همواره در گذشته هنگام فروریخت کاخ فرسوده تمدنهای مادی، طلایه امید بخش فرهنگی معنوی و مذهبی، از رنـج انتظار مردمی که در شوق جهانی بهتر سوخته انـد آشـکارا کاسـته اند. ادیان بزرگ عموما، همه در دوره های نهایی بحرانهای عمیق تمدنهای مادی پدید آمده اند. رسـتاخیز این ادیان، با عرضه داشت ارزشـهای معنوی تازه و یا تحکیم مبانی ارزشهای روحانی سست شده، در برابر ما دیگری افراطی فرهنگ منحط زمان خود بوده است. آری، این چنین است که اندیشـمندان راه نجات بشـر را

از مخمصه هـای کنونی و گرفتاریهای فعلی، تشـکیل یک حکومت واحـد جهانی که در آن بحث بهره وری و بهره کشـی انسانها از انسانها مطرح نباشد، عنوان داشـته اند و به عنوان یک عامل بسـیار مهم در اداره چنان حکومتی، از آیین و مذهب نام برده اند. و این همان سـخنی است که کلیه ادیان الهی در آثار خویش به آن ناطقنـد و پیروان خویش را به چنان سـعادتی نویـد داده انـد. و به تعبیر دگر، آنچه صـاحبنظران و اندیشـمندان دلسوز بشـر پس از تفکر و انـدیشه و تجربه های تاریخی به آن دست یافته انـد، ادیان بزرگ الهی عموما و آیین مقدس اسـلام خصوصا، در موارد گوناگونی مژده و بشارت تحقق و وقوعش ر داده اند که در قسمت بعدی این نوشته به آن خواهیم پرداخت. [صفحه ۱۶]

ادیان و مهدویت

همه انبیا و ادیان الهی به شـهادت آثار باقیمانـده، به پیروان خویش بشارت و مژده آمـدن روزی را داده اند که در آن روزگار جهان به کـام اهـل صـلاح و ایمان گردیـده، نابسامانی و فساد و بیـدادگری از جهان رخت بربنـدد. نهایت آنکه ادیان به تناسب قـدمتشان، دسـتخوش تغییر و تحریف و دگرگونی قرار گرفته و دست بشـر در محتویات آنها راه یافته است. به همین دلیل هر چه بیشتر به عقب بر می گردیم، اصـالت آثـار بر ای مانـده از ادیان بیشتر مخـدوش می گردد. ولی به هر حال از جمله امور مشترک و مسـلمی که در تمـامی ادیـان آسـمانی وجود دارد، همین مساله اعتقاد به ظهور منجی و مصـلح است، یعنی اعتقاد به شخصـیتی الهی که با نیروی ما فوق الطبیعه خود چهره جهان را دیگر کند و انسانی را تحولی نو عنایت نماید. گر چه این موعود در زبان ادیان به نامهای گوناگون نامیـده شـده است، ولی کاری که انجام خواهـد داد و تحولی که ایجاد خواهد نمود، در همه کتب به یک شـکل و با یک مضـمون آورده شـده اسـت. در آغـاز این بحث به دین ایران باسـتان عنـایت می کنیم، یعنی آیین حضـرت زردشت که قطعـا در آغـاز آیینی توحیدی بوده ولی در گذر ایام و زمانه توسط حوادث گوناگون دستخوش تغییرت و تحریفات فراوانی واقع شده است. [صفحه ۱۷] در کتب مقـدسه منسوب به آیین زردشت، به امور و مسائـل فراوانی درباره مصلح عالم برخورد می کنیم که خلاصه و ما حصل آن این است که نبرد دائمی ما بین نیکی و بدی - ی سپنتامینو و انگره مینو - به پایان نخواهد رسـید مگر به ظهور شخصیتی بزرگوار به نـام سیائوشـیانس و یاسائوشـیانت پیروزگر و اوست که به دست توانـایش عـدالت و راسـتی و نیکی را بر پهنه زمین گسـترده خواهد نمود و بشریت را از این همه نابسامانی و ظلم و ستم و زشتی خواهد رهانید. در این مورد به عباراتی از کتب مقدسه زردشتیان توجه فرمایید: کی مزدا سپیده رخشان پیروزی جهان را در بر خواهد گرفت؟ کی رخشـندگی آفتاب دین همه جا را تابان خواهد ساخت؟ کی سوشـیانت ها فراوانی و زیادگی خواهند یافت تا از پرتو کار و کردارشان دین گسترده شود؟ [۶] و نیز در یشت ها که قسمتی از او ستاست چنین می خوانیم: فر کیانی نیرومند مزدا آفریده را می ستاییم... هنگامی که استوت - ارته (یکی از سه پسر آینده زرتشت می باشـد) از مادرش ارد - فـذری زاده می شود و موسوم است به سئوشـینته که در آخر زمان ظهور می کنـد و با ظهور او رسـتاخیز مردگان شـروع شـده و عمر جهان به سـر می رسـد. و در کتاب زند که از کتب مذهبی زردشتیان است نیز اشاره به انقراض اشـرار و وراثت صلحا نموده گوید: [صفحه ۱۸] لشـکر اهریمنان با ایزدان دائم در روی خاکدان محاربه و کشمکش دارند و غالبا پیروزی با اهریمنان باشـد اما نه به طوری که بتواننـد ایزدان را محو و منقرض سازنـد. چه، در هنگام تنگی از جانب اور مزد که خدای آسـمان است به ایزدان که فرزنـدان اوینـد یاری می رسـد و محاربه ایشان نه هزار سال طول می کشـد، آنگاه فیروزی بزرگ از طرف یزدان می شود و اهریمنان را منقرض می سازنـد. و تمام اقتـدار اهریمنان در زمین است و در آسـمان راه ندارند. و بعد از پیروزی ایزدان و برانـداختن تبـار اهریمنـان، عـالم کیهـان به سـعادت اصـلی خود رسـیده، بنی آدم بر تخت نیکبختی خواهنـد نشـست. پس بر حسـب مندرجات کتابهای مقدس زردشتیان، به دست توانای سوشیانس پیروزگر سرانجام لشکر اهریمنان هزیمت کرده و سباه ایزدان جهان را خواهد گرفت. و جالب آنکه زردشتیان دعایی دارند به نام دعای زود آمدن سوشـیانس که جهت تسـریع در آمدن این شخصـیت

آن را می خوانند. در کتابهای مذهبی هند و نوشته شده که: در اواخر دوران چهارم، مردم روی زمین به فساد گراییده و بیشترشان کفر ورزیده و مرتکب گناهان بسیار شوند و فرومایگان به نامداری رسیده و بسن گرگ درنده به جان دیگران می افتند و هر چه را به دست بیاورند به یغما می برند. کاهنان و روحانیان هم مانند آنها فاسد می گردند و اکثریت با دزدان می شود و مردم پرهیزکار و پارسا همه جا مورد تحقیر [صفحه ۱۹] و اهانت قرار می گیرند. آنگاه شخصیتی بنام برهمن کلا - به معنی روحانی نیرومند - با شمشیر آخته و با نیروی مقاومت ناپذیر مفسدان را از میان بر می دارد و زمین را از پلیدیها پاک می سازد و نیکان و پاکان را باقی می گذارد تا به تناسل ادامه دهند. [۷] و نیز در کتاب بهگودگیتا (نغمه آسمانی) از کتابهای مذهبی هندو آمده است: وقتی که تقوا و عدالت از میان مردم برود و گناه شیوع یابد، من خود در دنی ظاهر می شوم برای حفظ خوبیها و هلاک بدکاران و استقرار عدالت و پرهیزکاری. [۸] البته مراد از آمدن من ممکن است آمدن بزرگواری باشد که از سوی خدا می آید و قدرت و توان او از خدا نشات می گیرد و به دست توانمندش ریشه فساد را از زمین بر می کند. در بیان منسوب به حضر ادریس پیغمبر آمده: در عصر ظهور مصلح عالم چنان برکات آسمانی و زمین را نازل می کنم که زمین از جهت خوب بودن نباتات درخشندگی خاصی پیدا می کند. تمام میوه ها و انواع گیاهان خوشبو به دست می آید. و بین مردم الفت و محبت ایجاد می کنم چنانکه همه با هم مساوی گردند و ارزاق بین آنان [صفحه ۲۰] به طور مساوات تقسیم شود، به نحوی که فقیر بی نیاز شود. و دیکر کسی بر کسی برتری نمی جوید و بزرگی نمی کند. بودائیان نیز (اگر بودا را پیامبر بدانیم که البته این مطلب احتمالش بسیار بعید است) همانند دیگر امتها معتقدند که در آخرالزمان، بزرگی تحت عنوان بودای پنجم ظهور گرده، جهان را از حیطه ظلم و ستم به سوی عدالت و دادگری خواهد کشاند. و اما در کتابهای آسمانی دیگر که به نامهای عهد قدیم و عهد جدید موسوم است، از پیامبران گوناگون چون داوود و اشعیاء نبی و حضرت عیسی مسیح علیهم السلام مطالبی که آینده روشن بشریت را نوید می دهند آمده. و عجیب آنکه این بشارات با موعود اسلام یعنی حضرت حجه بن الحسن علیه السلام و نیز آمدن حضرت عیسی مسیح علیه السلام کاملا تطابق دارد. در زبور یا مزامیر داوود علیه السلام دو بشارت است که به ترتیب آن دو بشارت را ذیلا می آوریم: به سبب شریران خویش را مشوش مساز... زیرا که مثل علف بزودی بریده می شوند... و بر خداوند توکل نما و نیکویی بکن... زیرا که شریران منقطع خواهند شد و اما منتظران خداوند وارث زمین خواهند بود - هان بعد از اندک زمانی شریر نخواهد بود - و اما حلیمان وارث زمین خواهند شد و از فراوانی و سلامتی متلذذ خواهند گردید... شریران شمشیر را برهنه کرده و کمان را کشیده اند تا مسکین و فقیر را بیندازند و راست روان را مقتول سازند. شمشیر ایشان به بدن خودشان [صفحه ۲۱] فرو خواهد رفت و کمانهای ایشان شکسته خواهد شد... زیرا که بازوی شریران شکسته خواهد شد و اما صالحان را خداوند تایید می کند... زیرا شریران هلاک می شوند. [۹] در این بشارت واضح می گردد که بدکاران و شریران از بین رفته و حلیمان و منتظران خداوند وارث زمین خواهند بود و سرانجام صالحان با تایید خداوندی پیروز خواهند گردید. و اما در بشارت دیگر در مورد فراوانی سلامت و وفور نعمت و نجات دادن فرزندان فقیر و زبون ساختن ظالمان، مطالب جالبتر و جامعتری در همین مزامیر داوود آمده است به شرح ذیل: ای خدا، انصاف خود را به پادشاه ده و عدالت خویش را به پسر پادشاه. و او قوم تو را به عدالت داوری خواهد نمود و مساکین تو را به انصاف. آنگاه کوهها برای قوم سلامتی را باز خواهند آورد و تل ها نیز در عدالت مساکین قوم خود را دادرسی خواهد کرد و فرزندان فقیر را نجات خواهد داد و ظالمان را زبون خواهد ساخت. از تو خواهند ترسید مادامی که آفتاب باقی است و مادامی که ماه هست تا جمیع طبقات. او مثل باران بر علفزار چیده شده فرو خواهد آمد و مثل بارشهایی که زمین را سیراب می کند، در زمان او صالحان خواهند شگفت وفور سلامتی خواهد بود. و او حکمرانی خواهد کرد از دریا تا دری و از نهر تا اقصای جهان. به [صفحه ۲۲] حضور وی صحرانشینان گردن خواهند نهاد و دشمنان او خاک را خواهند لیسید. پادشاهان ترشیش و جزایر هدایا خواهند آورد. پادشاهان شبا و سبا ارمغانها خواهند رسانید. جمیع سلاطین او را تعظیم خواهند کرد و جمیع امتها او را بندگی خواهند نمود. زیرا چون مسکین استغاثه کند او را

رهایی خواهد داد و فقیران را که رهاننده ندارد. بر مسکین و فقیر کرم خواهد فرمود... و فراوانی غله در زمین بر قله کوهها خواهد بود. [۱۰] بدون کمترین تردیدی، از این بشارات گسترش یک حکومت جهانی بلا منازع استفاده می شود به گونه ای که تمام زمین مطیع و مسخر یک فرمانده واحد خواهد گردید و زمانی خواهد رسید که صالحان خواهند شگفت و سلامتی به وفور یافت شود. و قدر مسلم آنکه این حکومت به دست توانمند شخصیتی استقرار خواهد یافت که عظمتش با هیچ یک از پیامبران و بزرگان قابل مقایسه نیست. و تمام بشرتها نیز به صیغه آینده بیان گردیده و این چنین فر و عظمت و شکوهی تا کنون در زمین در هیچ زمانی موجود نگردیده است. لذا با توجه به وسعت و عظمت قضیه از یک سو، و به وجود نیامدن چنین حکومتی تا کنون از سوی دیگر، براحتی می توان این مطلب را دریاف که بشریت در آینده شاهد وقوع چنین رخدادی عظیم خواهد گردید، حکومتی که به دست توانمند آخرین حجت خدا [صفحه ۲۳] و واپسین امام راستین تشکیل شده و در آن صالحان وارثان زمین خواهند شد. در کتاب اشعیاء نبی از کتابهای منضمه تورات نیز چنین می خوانیم: و نهالی از تنه یسی [۱۱] بیرون آمده و شاخه ای از ریشه هایش خواهد شکفت و روح خداوند بر او قرار خواهد گرفت، یعنی روح حکمت و فهم و روح مشورت و قوت و روح معرفت و ترس خداوند... مسکینان را به عدالت داوری خواهد کرد و در جهت مظلومات زمین به راستی حکم خواهد نمود و جهان را به عصای دهان خویش زده، شریران را به نفخه لبهای خود خواهد کشت. کمر بند کمرش عدالت خواهد بود و کمر بند میانش امانت. گرگ با بره سکونت خواهد داشت و پلنگ با بزغاله خواهد بود و گوساله و شیر و پرواری با هم و طفل کوچک آنها را خواهد راند و گاو با خرس خواهد چرید و بچه های آنها با هم خواهند خوابید و شیر مثل گاو کاه خواهد خورد و طفل شیر خواره بر سوراخ مار بازی خواهد کرد و طفل از شیر بازداشته شده دست خود را بر خانه افعی خواهد گذاشت. [۱۲] آنچه را از آیات مذکور استنباط می گردد، می توان به صورت ذیل [صفحه ۲۴] خلاصه نمود.۱ - شخصیتی عظیم الشان از فرزندان حضرت داوود علیه السلام ظهور خواهد کرد.۲ - او مورد عنایت خاص خداوند است به گونه ای که روح حکمت و فهم و مشورت و قوت و معرفت و ترس از خداوند بر او قرار خواهد گرفت.۳ - در داوری بی نظیر خواهد بود.۴ - سلوک او با عدالت و امانت همراه است.۵ - در زمان وی آن چنان عدالت استقرار می یابد که دشمنان قطعی و جبلی چون گرگ و بره و پلنگ و بزغاله، گوساله و شیر و گاو و خرس با هم زندگی خواهند کرد. مسلم است که این بشارات جز بر وجود مقدس آخرین پیشوای الهی حضرت بقیه الله الاعظم ارواحنا فداه منطبق نیست. زیرا آن بزرگوار از سوی مادر و الا تبارش نرگس خاتون نسبش به حضرت داوود علیه السلام می رسد. و نکته دگر آنکه در هیچ یک از ادوار بشری شخصیتی با چنان قدر و منزلت و با این همه امتیاز و کرامت الهی ظاهر نشده که بتواند عدالتی با این گستردگی و وسعت را در پهنه گیتی به وجود آورد و چنین زندگی ایده آلی را برای انسانها فراهم نماید. در اناجیل فعلی نیز علاوه بر آنکه از بازگشت حضرت مسیح به صورتی قطعی و یقینی گفتگو به عمل آمده است - که این مطلب در منابع اسلامی نیز موجود است که به هنگام ظهور حضرت صاحب الامر علیه السلام حضرت عیسی مسیح علیه السلام آمده، در پشت سر حضرت [صفحه ۲۵] مهدی علیه السلام نماز خواهد خواند - مطالبی دیگر نیز به صورتی مجزا و مستقل از رجعت حضرت عیسی علیه السلام در این کتاب وجود دارد که برای نمونه به یکی از آنها اشاره می کنیم: اما چون پسر انسان در جلال خود با جمیع ملائکه مقدس خویش آید، آن گاه بر کرسی جلال خود خواهد نشست و جمیع امتها در حضور او جمع شوند و آنها را از هم دیگر جدا می کند به قسمی که شبان میش ها را از بزها جدا می کند. [۱۳] از آنجا که بشارت دهنده خود عیسی مسیح علیه السلام است، پس پسر انسان نمی تواند آن بزرگوار باشد و قطعا مراد شخص دیگری است که در آینده ای خواهد آمد و به گاه آمدنش تمام امتها در حضور وی جمع شوند و آمدن وی با شکوه و جلال هر چه تمامتر بوده و فرشتگان نیز در محضرش حاضر آیند. و این بزرگوار و صاحب شخصیت عظیم پسر انسان که بر کرسی جلال خواهد نشست و تمام امتها در حضور او جمع شوند کسی نیست جز موعود اسلام و جهان و ادیان حضرت بقیه الله صاحب العصر و الزمان. آن چه از این بررسی فوق العاده اجمالی روشن شد آن که وعده

هـای تمـام انبیـای عظـام الهی، دائر و نـاظر بـه گسـترش و بسط توحیـد و عـدالت و آزادی و فراوانی نعمـت و بهره وری منـاسب از زنـدگانی و حیات و سر سبزی جهان و... می باشـد و این وعده ها به دست با کفایت یک بزرگ مرد الهی و شخصـیتی که موید به تاییدات خداوندی [صـفحه ۲۶] است محقق خواهـد گردیـد. این بزرگوار در ادیـان گونـاگون و مکاتبی که رنگ دین گرفته انـد، چنین نامگـذاری و یا تعبیر شده است:۱ - سوشـیانس پیروزگر از نظر زردشتیان.۲ - بوادی پنجم از نظر بودائیـان.۳ - برهمن کلا از دیدگاه برهمانیان.۴ - نهالی از تنه یسـی و پسر پادشاه در زبور حضرت داوود.۵ - پسـر انسان از نظر مسیحیان.اکنون زمان آن است که این بحث را از نظر آیین مقدس اسلام عموما و از دیدگاه تشیع خصوصا دنبال کنیم.

مهدویت از نظر منابع اسلامی

همان گونه که می دانیم در اسـلام دو مرجع جهت اخذ مسائل مذهبی وجود می دارد. و این دو مرجع همانها هستند که رسول اکرم (ص) در حـدیث بسـیار معروف و متـواتر ثقلین به این مضـمون معرفیشـان فرمـوده انـد: مردم، من از میـان شـما می روم ولی دو چیز ارزشـمند و گرانبها را در میان شـما به یادگار می گـذارم. و این دو چیز عبارتند از کتاب خدا یعنی قران کریم و اهل بیتم. و این دو هرگز از هم جـدا نشونـد تا آنکه در کنار حوض کوثر بر من وارد شوند. و هر که به این دو چنگ زند هرگز گمراه نشود. [صـفحه ۲۷] بنـابر این در زمینه موعود و مصلح جهـان نیز بایـد به سـراغ این دو مرجع رفت و اصالت آن را از طریق آیات قران و احادیث و روایات صحیحه معصومین سلام الله علیهم اجمعین دریافت.

آیات قرآنی در مورد مهدویت

الف) خداونـد به کسـانی از شـما که ایمـان آورده و عمـل شایسـته انجام دهنـد، چنین وعـده فرموده که ایشان را در روی کره زمین خلافت بخشد، همان گونه که پیشـینیان دارنده این صـفت را خلافت بخشـید، و دین پسندیده خود را برای ایشان بر همه ادیان عالم پیروزی عنایت فرمایـد و ترس و هراس آنان را به امنیت و آرامش خاطر تبـدیل فرمایـد. پس از این رخدادها فقط مرا عبادت کنند و هرگز به من شـرک نورزنـد. هر که پس از این امور کافر شود، به حقیقت از بدکاران خواهد بود. [۱۴] در این آیه پروردگار متعال چند وعده را نسـبت به آینده بیان فرموده است:۱ - خلافت و زمامـداری مومنان و دارندگان اعمال شایسـته.۲ - جهانی شدن اسلام علوی و پیروزی یافتن این آیین بر همه ادیان جهان.۳ - تبدیل شدن ترس و هراس مومنان به امنیت و آرامش خاطر. [صفحه ۲۸] ۴- گسترش توحید و یکتا پرستی در پهنه و صـحنه گیتی.با نگاهی و لو به اجمال در می یابیم که هیچ زمانی پس از رسول مکرم اسـلام و نزول وحی را نمی توانیم در تاریخ اسـلام سـراغ بگیریم که این وعده ها در آن محقق گردیده باشد. و از آنجا که این وعده ها از سوی خـدای متعال داده شـده و مطمئنا خلاف نخواهـد شـد، پس بشـریت عموما و اهل ایمان و عمل صالـح خصوصا، باید روزی را شاهـد باشـند که در آن روز این وعـده هـای چهارگـانه محقق شـده باشـد. تحقق وعـده هـای داده شـده در این آیه، با قیام و ظهور حضـرت مهـدی علیه السـلام صورت خواهـد پـذیرفت و توحیـد و امنیت خاطر و آرامش و پیروزی اسـلام بر همه ادیان، به دست با کفایت آن بزرگوار خواهد بود. چنان که در تفسـیر صافی از امام سـجاد علیه السلام نقل گردیده که می فرماید: مومنان در آیه - به خدا قسم - شـیعیان ما اهل بیت می باشـند که خداوند وعده داده است به آنها و آن را به دست مردی از ما که مهدی این امت است انجام خواهـد داد.ب) و می خواهیم بر کسانی از شـما که در زمین ضـعیف گردیـده اند منت گذاشـته و ایشان را پیشوایان و وارثان زمین قرار دهیم. [۱۵] در این آیه نیز پروردگار مهربان اراده قطعی خویش را دائر بر [صـفحه ۲۹] نجات مستضعفان بیان می فرماید که سـرانجام بر ایشان منت نهاده و آنان را رهبران و وارثان زمین خواهـد گردانـد. و می دانیم که چنین امری تا کنون واقع نگردیده است و وعده خدا هم تخلف پذیر نیست. بنابر این زمین باید روزی را شاهد باشد که ارث برندگانش مستضـعفان باشند. از حضرت

علی علیه السلام در بحارالانوار حدیثی در ذیل آیه فوق آمده به این شرح: کسانی که در روی زمین ضعیف گشته اند آل محمدند. و خدای تعالی مهدی ایشان را مبعوث نموده، ایشان را عزیز خواهد گرداند و دشمنانشان را ذلیل خواهد فرمود.ج) اوست خدایی که پیامبرش را با مشعل هدایت و دین حق فرستاد تا آنکه آن دین را بر همه ادیان برتری بخشد گر چه کافران و حق پوشان و مشرکان از این مساله کراهت داشته باشند. [۱۶] در این آیه خدای متعال وعده فرموده است که آیین مقدس اسلام و شریعت حضرت رسول اکرم (ص) را بر همه ادیان پیروز و غالب فرماید و این مطلب حتما واقع خواهد شد و لو آن که مشرکان آن را ناخوش بدارند. و ما می دانیم که از زمان پیدایش این آیین آسمانی چنین روزگاری را مسلمانان به خود ندیده اند که دین مقدس اسلام بر تمام ادیان چیره گردد و در پهنه گیتی حکومت نماید. لذا شکی باقی نمی ماند که این وعده همانند دیگر وعده های خدای سبحان محقق [صفحه ۳۰] خواهد شد و بشریت روزی را شاهد خواهد بود که نور درخشنده آیین خدا سراسر گیتی را روشن نماید. و تایید بر این برداشت روایتی است که از حضرت باقر علیه السلام در تفسیر مجمع البیان ذیل آیه شریفه آمده است: این وعده به هنگام ظهور مهدی از آل محمد (ص) خواهد بود. پس کسی باقی نمی ماند مگر اینکه اقرار به رسالت و نبوت رسول اکرم. حضرت محمد (ص) خواهد کرد. در کتاب کمال الدین شیخ بزرگوار صدوق از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که: نازل نگردیده تاویل این آیه و نازل نخواهد شد تاویل آن تا قائم آل محمد (ص) قیام کند. پس چون قیام کرد نه کافری باقی خواهد ماند و نه کسی که مشرک به امام باشد. مگر اینکه از خروج وی ناراحت باشد.د) هر آینه در کتاب زبور که پس از تورات فرو فرستاده شده چنین مقرر کردیم که زمین را بندگان صالح ما به ارث خواهند برد. [۱۷] این آیه شریفه مژده می دهد که چنین نخواهد ماند که جهان همواره به کام فاسدان و تبهکاران و جانیان باشد، بلکه زمانی خواهد رسید که بندگان صالح خدا صاحب و وارث این زمین خواهند گردید. این مهم به دست توانای حضرت ولی عصر ارواحنا فداه انجام خواهد پذیرفت. چنان که در تفسیر صافی از تفسیر علی بن ابراهیم [صفحه ۳۱] نقل می کند که بندگان صالح در آیه حضرت قائم علیه السلام و اصحاب آن حضرت می باشند. و در مجمع البیان چنین آمده که امام باقر علیه السلام فرمودند: بندگان صالح در آیه اصحاب مهدی علیه السلام در آخر الزمان می باشند. [صفحه ۳۲]

نگاهی به مهدویت از طریق اهل سنت

در کتب بسیار معتبر اهل سنت احادیث فراوانی درباره وجود مقدس حضرت مهدی علیه السلام می یابیم که به عنوان نمونه به برخی از آنها توجه می کنیم: در صحیح ترمذی از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره حضرت مهدی علیه السلام چنین می خواهیم: دنیا و زمانه به پایان نخواهد رسید تا آن که مردی از فرزندان من بر جهان حکومت نماید که نامش مطابق نام من باشد. این حدیث با مختصری اختلاف در کتاب مسند امام احمد حنبل نیز از رسول خدا (ص) نقل گردیده است. در سنن ابن ماجه قزوینی از رسول خدا چنین روایت گردیده است: اگر از عمر دنیا جز یک روز باقی نمانده باشد، خدا آن روز را آن قدر طولانی خواهد فرمود تا مردی از خاندان من حکومت نماید. در کتابهای دیگر بزرگان از علمای اهل سنت و جماعت به دنبال ذکر این روایت فوق، این مطلب نیز از رسول اکرم صلی الله علیه و [صفحه ۳۳] آله اضافه گردیده است: نام او نام من و کنیه او کنیه من است. و او جهان را از عدالت و دادگری آکنده سازد همان گونه که از ظلم و جور پر شده باشد. جالب آن که برخی از ناموران عامه چنین مطلبی را از پیامبر اکرم نقل کرده اند که فرمود: مهدی از خاندان من و از فرزندان فاطمه (ع) است. و از جمله راویان این حدیث جناب ام سلمه همسر صالحه رسول خداست که فرزند فاطمه بودن حضرت مهدی علیه السلام را از قول پیامبر نقل می نماید. حدیث فوق در دو کتاب معتبر اهل سنت و جماعت یعنی سنن ابوداوود و سنن ابن ماجه قزوینی آمده است. همچنین برخی از علمای اهل تسنن درباره وجود مقدس حضرت مهدی علیه السلام کتابهای مستقلی را تالیف نموده اند. از آن جمله اند:- حافظ ابونعیم اصفهانی: الاربعین،

مناقب المهدی و نعت المهدی.- حافظ یوسف گنجی شافعی: البیان فی اخبار صاحب الزمان.- حماد بن یعقوب: اخبار المهدی.- جلال الدین سیوطی: علامات المهدی. و خلاصه کلام آن که دانشمندان اهل سنت و جماعت، متجاوز از ۵۰۰ حدیث در بیشتر از ۶۰ کتاب خود در این زمینه آورده اند. و بنابراین مساله ظهور مصلح و منجی عالم از استحکامی بسیار بالا برخوردار می شود، به نحوی که می توان گفت کمتر مساله ای از [صفحه ۳۴] مسائل اسلامی از چنین قاطعیت و استحکامی برخوردار باشد. آری، مطالعه و بررسی کتب اهل سنت و جماعت و نیز تفحصی نه چندان پر دامنه در اعتقادات برادران غیر شیعی از مسلمانان، این مطلب را بروشنی اثبات می نماید که اعتقاد و باور عمومی در میان آنان چنین است که در آخرالزمان شخصیتی از فرزندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله و حضرت صدیقه کبری، فاطمه زهرا سلام الله علیها به دنیا آمده و پس از مدتی به فرمان خدا قیام نموده، جهان را پس از آن که از ظلم و جور و ستم آکنده گردیده باشد، از عدل و دادگری مالامال سازد، و در زمان حکومت او امنیت و فراوانی نعمت دامن خواهد گسترد و همه مردمان از نعمت یک زندگانی سراسر سعادتمندانه بهره خواهند برد. البته بخش مورد اختلاف اعتقاد فوق با عقیده شیعیان، یعنی به دنیا آمدن حضرت مهدی علیه السلام در آخرالزمان را بسیاری از اعترافات صریح دانشمندان و بزرگان اهل سنت و جماعت نیز رد و نفی می نماید. در میان آثار گوناگون دانشمندان سنی چند نمونه را انتخاب کرده به نظر خوانندگان محترم می رسانیم:۱ - سبط بن جوزی از علمای اهل سنت و جماعت در کتاب خویش تحت عنوان تذکره خواص الامه این گونه عنوان می کند: دوازدهمین امام و پیشوا، محمد بن الحسن بن علی بن محمد بن علی بن... علی بن ابی طالب بوده و کنیه او ابو عبدالله و ابوالقاسم است. و اوست آخرین بازمانده خدا و صاحب [صفحه ۳۵] الزمان و قائم و منتظر و آخرین امام... و او همان کسی است که رسول خدا فرمود: در آخر الزمان مردی از خاندان من خروج می کند که اسم او اسم من است و کنیه او کنیه من، زمین را از عدل و داد پر می کند همان گونه که از ظلم و جور پر شده باشد. اوست مهدی موعود.۲- گنجی شافعی (شیخ محمد بن یوسف بن محمد) کتابی دارد به نام البیان فی اخبار صاحب الزمان. این نویسنده شافعی علاوه بر آنکه کتابی مستقل درباره حضرت ولی عصر علیه السلام نگاشته، در کتاب دیگرش به نام کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب در باب هشتم قسمت ملحقات بعد از ذکر ائمه از فرزندان امیرالمومنین علیه السلام و بعد از ذکر نام و القاب حضرت عسکری علیه السلام چنین گوید:... و او فرزندش را جانشین خود قرار می دهد که همان امام منتظر باشد که صلوات خدا بر او باد.۳ - عبدالوهاب شعرانی در کتاب الیواقیت و الجواهر مبحث ۶۵ در باب اموری که قبل از قیامت کبری باید واقع شود سخن می گوید و از جمله چنین بیان می دارد: از جمله اموری که باید قبل از قیامت اتفاق افتد خروج مهدی علیه السلام است که آن بزرگوار از فرزندان امام حسن عسکری علیه السلام است و تولد او شب نیمه شعبان سال ۲۵۵ می باشد. و او باقی است تا با عیسی بن مریم گرد آید.۴ - حافظ محمد بن محمد بخاری معروف به خواجه پارسا در کتاب خویش موسوم به فصل الخطاب چنین گوید: [صفحه ۳۶] و ابومحمد الحسن العسکری ولده (م ح م د) رضی الله عنهما معلوم عند خاصه اصحابه و ثقات اهله. یعنی: و ابومحمد حسن عسکری فرزندش محمد - که خداوند راضی می باشد از هر دو آنها - است و نزد خواص اصحاب و افراد مورد اعتماد خود، مشخص و شناخته شده است.۵ - شیخ سلیمان حنفی قندوزی در کتاب خویش به نام ینابیع الموده ص ۴۵۲ چنین گوید: و نزد افراد مورد اعتماد، محقق و مسجل است که ولادت قائم علیه السلام در شب پانزدهم سال ۲۵۵ در شهر سامرا انجام پذیرفته است.۶ - دانشمند دیگر عامه شیخ محمد بن ابراهیم حموینی شافعی در فرائد السمطین از قول حضرت رضا علیه السلام چنین نقل می کند: امام پس از من فرزندم جواد التقی و پس از او فرزندش علی النقی و بعد از وی حسن العسکری و پس از او مهدی المنتظر است که اطاعت از او در زمان غیبت همانند زمان ظهور واجب است.۷ - نویسنده دیگر اهل سنت و جماعت یعنی سید مومن بن حسن شبلنجی در کتاب نور الابصار باب دوم ص ۱۵۲ چنین می نگارد: در ذکر مناقب محمد بن الحسن بن... علی بن ابی طالب. مادرش ام ولد بود که به ایشان نرجس و صقیل و سوسن هم گفته می شود. و کنیه اش ابوالقاسم است. و شیعه امامیه ایشان [صفحه ۳۷] را حجت و مهدی و قائم و منتظر و صاحب

الزمان لقب داده انـد که مشـهورترین لقب ایشان مهدی است.۸ – محمـد بن شـحنه حنفی در کتاب تاریخ خویش موسوم به روضـه المناظر فی اخبار الاوائل و الاواخر جلـد اول ص ۲۹۴ این گونه آورده است: و برای امام حسن عسـکری علیه السلام فرزندی به دنیا آمـد که دوازدهمین ائمه است و به او مهدی و قائم و حجت و محمد گفته می شود. و تولد وی در سال ۲۵۵ اتفاق افتاده است. پس روشن می گردد که اعتقـاد به وجود امـامی که در سـال ۲۵۵ به دنیـا آمـده و هم اکنون نیز در قیـد حیات است و در آینـده به فرمان حضـرت حق جل و علا ظهور کرده و جهان را به نور عـدالت و توحیـد منور خواهـد نمود، خاص ما شـیعیان نیست، بلکه تعدادی از دانشمندان اهل سنت و جماعت نیز به وقوع ودلات و دیر زیستی این بزرگوار اقرار و اعتراف نموده اند.

مهدویت در نگاه تشیع

در کتابهای شـیعه در این زمینه در ابواب و فصول گوناگون، از تمام ابعاد متنوع و حتی فروعات مساله بسیار مهم مهدویت گفتگو به میـان آمـده و تشـکیل دهنـده حکـومت واحـد جهـانی و برقرار کننـده عـدالت و دادگری همگـانی و بر افرازنـده پرچـم توحیـد و یکتاپرستی، به تمام خصوصـیات و ویژگیها معرفی گردیده است. از جمله اموری که [صـفحه ۳۸] درباره این شخصیت والا و عالی مرتبـت ذکر شـده می تـوان این مـوارد را بر شـمرد: وی از فرزنـدان رسـول اکرم (ص) و حضـرت زهرای اطهر است. – فرزنـد دهم حضـرت علی بن ابی طالب علیه السلام است. – فرزند نهم حضرت حسین بن علی علیه السلام است. – فرزند هشتم حضرت علی بن الحسـین علیـه السـلام اسـت. – فرزنـد هفتـم حضـرت محمـد بـن علی البـاقر علیـه السـلام اسـت. – فرزنـد ششـم حضـرت جعفر بن محمدالصادق علیه السـلام است. – فرزند پنجم حضرت موسی بن جعفر علیه السلام است. – چهارمین فرزند حضرت علی بن موسی الرضا علیه السـلام است. – سومین فرزنـد حضـرت محمـد بن علی الجواد علیه السـلام است. – دومین فرزند حضـرت علی بن محمد الهادی علیه السـلام است. – فرزند بلا فصل حضرت امام حسن عسکری علیه السلام است. – مادر گرانقدر وی، علیا حضرت نرگس خاتون می باشـد. – تولد وی در نیمه شـعبان سال ۲۵۵ هجری قمری در سامراء در امامت سـرای حضـرت عسـکری علیه السلام واقع گردیـده است. – دوران حمل و نیز وضع حمل حضـرتش در اختفای کامل صورت پـذیرفته است. – در پنج سالگی پس از شـهادت پدر بزرگوارش حضـرت عسـکری علیه السـلام مسئولیت امامت به عهده حضـرتش محول می گردد. – دارای عمری بسـیار طولانی است بدون آن که گذران عمر بر حضـرتش اثری داشـته باشد. [صـفحه ۳۹] – وی دارای دو غیبـت است:۱ – غیبت کوتاه مـدت به مدت ۶۹ سال.۲ – غیبت بلنـد مـدت که تـا کنون ادامه دارد.– زمـان ظهور آن حضـرت مشـخص نیست و هر هنگام که خـدا اجازه فرمایـد از مسـجدالحرام قیام فرموده، به نیروی الهی جهان را مسـخر نمایـد و حکومت عدل الهی را اسـتقرار بخشد. – در زمان غیبت بلند مدت آن حضـرت فقیهان وارسـته و مجتهدان متقی شیعیان را در اموری که پیش خواهد آمد هدایت و راهبری خواهند نمود. – در دوران غیبت آن حضـرت باید اموری را مد نظر قرار داد، از آن جمله خودسازی و آراستگی به مکارم اخلاقی و فضایل معنوی و اسـلامی، فکر شـیعیان بودن و در رفع مشـکلات و معضـلات آنان گام برداشتن، و از همه مهمتر برای این مهم، یعنی قیام شکوهمند حضـرتش، دعا کردن، که خود آن بزرگوار فرموده اند: برای تعجیل در فرج من بسـیار دعا کنید. زیرا که دعا کردن شما بر فرج من باعث فرج خود شـما خواهد بود. به امید آن که خدای سـبحان به دعاهای خالصانه دلدادگان ظهور ترتیب اثر داده، ظهور و فرج آن تنها پناه شیعه و تنها امید مستضعفان جهان را هر چه زودتر مقرر فرماید.

پاورقی

[۱] لذات فسفه – ویل دورانت.

[۲] این سطور سالهایی قبل از تجربه شوروی نگاشته شده است.

[۳] پیام یونسکو آبان ماه ۱۳۴۸.

[۴] تاریخ فلسفه سیاسی ج ۳ ص ۹۳۰.

[۵] داستان بشر.

[۶] یسنا – هات ۴۶.

[۷] از کتاب مااللهند ص ۳۲۱.

[۸] مقدمه اوپانیشاد.

[۹] مزامیر داوود، مزمور. ۳۷.]

[۱۰] مزامیر داوود، مزمور. ۷۲.

[۱۱] یسی به معنی قوی پدر حضرت داوود بود.

[۱۲] اشعیاء نبی باب ۱۱ آیات ۹ – ۱.

[۱۳] انجیل متی باب ۲۵ آیات. ۳۳ – ۳۱.

[۱۴] نور / ۵۵.

[۱۵] قصص / ۵.

[۱۶] توبه / ۳۳.

[۱۷] انبیا / ۱۰۵.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم

جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به

محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : -۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-IR۹۰ ۵۳-۰۶۰۹به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است،

هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه‌ای
اصفهان
WWW
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹